

تختین قدم های پاکی

قسمت نهم

یاد مرک

۶۰

حجت الاسلام والمسلمین سعید حصاری

مقدمه

در شماره‌های پیشین گفتیم که هدف از خلقت انسان حرکت به سمت خدای متعال و رسیدن به آن ذات مقدس است. و معلوم است که این حرکت و نزدیک شدن، یک حرکت مکانی نیست، بلکه یک حرکت روحی و سیر معنوی است که از آن به سیر إِلَى اللَّهِ تعبیر می‌شود. در این سیر معنوی، سائر إِلَى اللَّهِ سعی می‌کند در صفات روحی خود متناسخ و متشابه با حضرت حق گردد تا لائق مقام خلیفة‌اللهی گردد، چرا که طبق آیه شریفه «وَ إِذْ قَالَ رُبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِلَيْيَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰) خدای متعال انسان را برای خلافت خویش بر روی زمین خلق نموده، و لازمه خلافت الهی آن است که خلیفه (انسان) قدم جای پای حضرت حق نهاده و کمالات او را تا حد توان تحصیل نماید و روح خود را توسعه داده و در یک کلام خداگونه شود. اما برای این‌که انسان خداگونه شود و صفات خدایی را کسب نماید چه باید کرد؟



برای جواب به این سؤال حدیثی را که جناب شیخ حر عاملی رحمت‌الله‌علیه ذکر فرموده بیان می‌کنیم:

«ورد في الحديث القدسي عن الرّب العلّي آنَه يقول: عبدِي أطعْنِي أَجْعَلُكَ مِثْلِي لا تموت، أنا غنيّ لا أفتقر أجعلكَ غنيّاً لا تفتقر، أنا مهمّاً أشاء يكون أجعلكَ مهمّاً تشاء يكون - در روایت قدسی از قول خداوند بلند مرتبه آمده که می‌فرماید: بندهام، مرا اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم؛ همان‌طوری که من زنده هستم و نمی‌میرم تو را هم زنده قرار می‌دهم که هرگز نمی‌میری، همان‌طوری که من غنی هستم و فقیر نمی‌شوم تو را هم غنی قرار می‌دهم که فقیر نمی‌شوی، و همان‌طوری که من هر چه را اراده کنم می‌شود تو را هم همین‌طور قرار خواهم داد.»^۱

همان‌طور که در این روایت شریف آمده رمز خداگونه شدن و نزدیک شدن به آن ذات مقدس، اطاعت و پیروی از دستورات حضرت حق است؛ «عبدی اطعنی اجعلکَ مثلی». در روایت دیگری امام صادق علیه السلام چنین فرموده‌اند: «الْعَبْدُ يَدْعُهُ جَوْهَرٌ كُنْهُهَا الرُّبُوبِيَّةِ -

بندگی گوهری است که باطن آن ربویت است.»^۲

مطابق این روایت شریفه، اگر کسی طوق بندگی خدای متعال را بر گردن اندازد، خداوند او را بالا برده و شمه‌ای از قدرت ربویت خود را به او عطا نموده و او را قادر بر تصرف در امور می‌نماید.

بنابراین راه تقرب به خداوند و نزدیک شدن به آن ذات مقدس و در نهایت راه خداگونه شدن عبد و بنده، اطاعت از دستورات الهی و ملتزم شدن به تکالیف دینی و در رأس آن،

۱. الجواهر السنّيّة في الأحاديث القدسيّة؛ ص ۷۰۹

۲. مصباح الشریعه، ص ۷

انجام واجبات الهی و ترک محرمات می باشد. در حدیث شریف قدسی در این باره چنین وارد شده است: «وَ مَا تَقْرَبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ - هیچ بندهای با وسیله‌ای که نزد من محبوب‌تر باشد از آن‌چه بر او واجب کرده‌ام، به من نزدیک نشد.»^۱

در حدیث قدسی دیگری چنین وارد شده است:

«عَبْدِي أَدْ مَا افْتَرَضْتُ تَكُنْ مِنْ أَعْبُدِ النَّاسِ وَ اتَّهِ عَمَّا نَهَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ - بندهی من، اموری را که بر تو واجب کردم انجام بده تا از عابدترین مردم باشی و اموری را که بر تو حرام کردم ترک کن تا از پرهیزکارترین انسان‌ها باشی.»^۲



در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْإِيمَانِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ تَرُكٌ مَا أَمْرَ بِهِ أَنْ يُتَرَكُ - هیچ چیزی نزد خداوند از ایمان و عمل صالح و ترک نمودن اموری که خداوند دستور به ترک آن‌ها داده (محرمات)، محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر نیست.»^۳

حال که معلوم شد ترک گناهان و انجام واجبات، محبوب خدای متعال و یگانه راه تقرب به اوست، بایسته است که انسان در صدد ترک گناهان برآمده و به دنبال برنامه‌ای برای آن باشد. از این روی طی شماره‌های پیشین بر آن شدیم که با تبعی در آثار اسلامی و کلمات اهل سلوک به ارائه برنامه‌ای کامل و جامع در این خصوص بپردازیم که بسیاری از مواد این برنامه مانند تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاقبه، تذکر، ضبط خیال و تصرع و اشک در درگاه الهی، برای خوانندگان عزیز معرفی و توضیح داده شد. اکنون نیز یکی دیگر از اموری که نقش مهمی در کمک به ترک گناه و معصیت دارد و مورد توجه علمای اخلاق و اهل سلوک می‌باشد را معرفی نموده و نکات کاربردی و عملی آن را مورد اشاره قرار می‌دهیم. شاید مورد توجه مولا قرار گرفته و عنایات الهی مددکار شده و راه سلوک إلى الله هموار گردد.

۱. الكافی، طبع اسلامیه، ج ۲، ص ۲۵۲

۲. مستدرک الوسائل و مستتبط المسائل، ج ۱۱، ص ۲۸۲

۳. مستدرک الوسائل و مستتبط المسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۸

یاد مرگ

یاد مرگ و عالم قبر و قیامت یکی از بهترین اصلاح کننده‌های نفس انسان است که ریشه‌ی گناه و رذائل اخلاقی را در درون انسان خشکانده و آدمی را نسبت به گناهان بیمه می‌کند. از این جهت در آیات و روایات توجه خاصی به یاد مرگ و عالم آخرت شده و افراد تشویق به آن شده‌اند که به برخی از آیات و روایات واردہ در این باب اشاره می‌کنیم:

آیات

«فُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِكُمْ ثُمَّ تُرْدُونَ إِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ - بگو: این مرگی که از آن فرار می‌کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می‌شود آن گاه شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد!» (جمعه/۸)

«وَ قَبْلَ الْيَوْمِ نَسِاكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا وَأْكُمُ النَّازُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ - وَ بِهِ آن‌ها گفته می‌شود: امروز (روز قیامت) شما را فراموش می‌کنیم. همان‌گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاوری ندارید.» (جاثیه/۳۴)

روايات

۱- در روایتی چنین وارد شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَثِيرًا مَا يُوصِي أَصْحَابَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ - رسول خدا صلی الله علیه وآل‌ه‌وسلم بسیار اصحاب خود را به یاد مرگ سفارش می‌کرند.»^۱

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآل‌ه‌وسلم فرموده‌اند: «وَ اجْعَلُوا الْمَوْتَ نُصْبَ أَعْيُنِكُمْ وَ مَا بَعْدُهُ مِنْ أَهْوَالِ الْقِيَامَةِ - مرگ و هول هراس‌های روز قیامت را نصب‌العين خود قرار دهید.»^۲

۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: «أُوصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْعَفْلَةِ عَنْهُ وَ كَيْفَ غَفَّلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُعْفَلُكُمْ - سفارش می‌کنم شما را به یاد مرگ و کم کردن غفلت از آن چگونه غافلید از چیزی که او از شما غافل نیست؟»^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۷

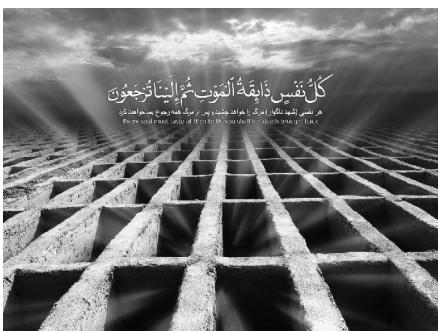
۲. بحار الانوار، طبع بیروت، ج ۸۰، ص ۲۵۱

۳. نهج البلاغة (الصیحی صالح)، ص ۲۷۸

سیره و کلمات علماء

علاوه بر آیات و روایات، سیره‌ی عملی علمای ربانی و کلمات آنان مملو از دعوت به یاد مرگ و ذکر آخرت است که شایسته است برخی از آن‌ها را ذکر نماییم:

- ۱) حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در این‌باره چنین فرموده‌اند:



بدان که سفر خیلی پر خطر است و این نسیان و فراموشی که در ما است از مکاید نفس و شیطان است و این امیدها و آمال طولانی و دراز، از دام‌های بزرگ ابليس و از مکاید نفس است. پس، از این خواب برخیز و تیقظ [بیداری] و تنبه پیدا کن. بدان که مسافری و دارای مقصدی. مقصد تو عالم دیگر است و تو را از این عالم خواهی نخواهی می‌برند. اگر تهییه

سفر و زاد و راحله‌ی آن را دیدی، در این سفر درمانده نشوی و در این سیر بیچاره نشوی. و الا فقیر و بیچاره و بینوا گردی و خواهی رفت به سوی شقاوتی که سعادت ندارد، ذلتی که عزت ندارد، فقری که غنا دنبالش نیست، عذابی که راحت ندارد، آتشی که خاموشی پیدا نکند، فشاری که بر طرف شدن ندارد، حزن و اندوهی که خوشحالی در پی آن نیست، حسرت و ندامتی که آخر ندارد... همان ای دل غافل؛ از خواب برخیز و مهیای سفر آخرت شو «فَقَدْ نُودِيَ فِيْكُمْ بِالرَّحِيلِ»^۱ صدای رحیل و بانگ کوچ بلند است. عُمال حضرت عزائیل در کارند و تو را در هر آن به سوی عالم آخرت سوق می‌دهند و باز غافل و نادانی.^۲

- ۲) عارف کامل آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمت‌الله‌علیه نیز فرموده‌اند:

و برای کسانی که در ابتدای راه هستند فکر درباره‌ی مرگ و شدت و سکرات آن و ناراحتی و حرارت و درد و رنج هنگام مفارقت روح از بدن و حسرت آدمی در آن حال و جدائی او از جمیع آن‌چه که به آن‌ها دل بسته و همه‌ی کسانی که با آن‌ها انس گرفته و وحشت و تاریکی قبر و غربت آدمی در گور، بسیار مؤثر است. شاعر عرب می‌گوید: « و في ذكر هول الموت و القبر و البلا عن اللهو واللذات للمرء زاجر - و در یاد آوری هول و هراس مرگ

۱. «...تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيْكُمْ بِالرَّحِيلِ...» - آماده شوید، خداتان بی‌امرزاد! که بانگ کوچ را سردادند» نهج البلاغة (لصبوحی صالح) ص ۳۲۱؛ (۴۰۲) و من کلام له ع کان کثیراً ما ينادي به أصحابه

۲. شرح چهل حدیث، ص ۱۷۶

و قبر و پوسیدن بدن در گور، عاملی نهفته است که آدمی را از لهو و لعب و لذات دنیابی باز می‌دارد.^۱

ایشان در جای دیگر چنین فرموده‌اند:



ولی بزرگان چنین نبودند بلکه مرتب به گور خود سر می‌زدند و در آن می‌خوابیدند. و خود را به آن‌چه که اشقياء در گور خطاب می‌شوند، مخاطب می‌ساختند تا اين عمل مانع اين شود که آن‌ها بدون تهيه‌ي اسباب سفر آخرت، به اين منزل وارد شوند. و شيوه‌ي بعضی از آن‌ها اين بود که برای خود قبری آماده ساخته بود و می‌آمد و در آن می‌خوابید. بعد اين آيهی شريقه را که زيان حال آدميان پس از مرگ است، تلاوت می‌نمود و می‌گفت: «رب ارجعون * لعلی اعمل صالحًا - خدايا مرا برگردان. اميد است که دیگر کارهايم نیک و پسندیده باشد.» (مؤمنون/۹۹ و ۱۰۰)؛ بعد خطاب به خود می‌گفت: «فلاني برخيز، پروردگارت تو را برگرداند. پس در انجام اعمال صالح همت گمار. قبل از اين که روزی بیاید که هر چه آرزوی بازگشت به دنيا کنى، بدان دست نياپي» و با جديت و كوشش بيشرت به عبادت می‌پرداخت.

و شنیده‌ام که "علامه اشرفی مازندرانی" آتش زيادي بر می‌افروخت و دستور می‌داد که او را به ريسمنانی ببنندن و به سوي آتش کشند و درد و رنج آتش دنيا را به خود می‌چشاند.^۲

۳) عارف بالله شیخ محمد بهاری همدانی رحمت الله عليه فرموده‌اند:



ندام اين سستي در امر آخرت و اين بي حالی در اطاعت از ائمه که عقول طاهره‌اند چيست؟ آيا مرگ که امري حتمی است و وارد شدن بر خداوند را فراموش کرده‌اید؟ در حالی که مرگ در يك لحظه پاييه‌های خوشی‌های شما را در هم می‌شکند و بنیان غرایيز شما را ویران می‌سازد. آيا ياد مرگ، شما را از دنيا بizar نمی‌کند و به سوي آخرت جلب نمی‌کند؟ آيا پیامبر صلی الله عليه و آله وسلم که راستگوئرين راستگويان است نفرموده: هر که در روز و شب بیست مرتبه به ياد مرگ افتاد با شهدای جنگ اُحد محشور خواهد شد؟ آيا ياد مرگ را در کمال سودمندی و تأثیر نیافته‌اند؟ شاید مانع شما از

۱. ترجمه‌ی أسرار الصلاة، ص ۷۸

۲. ترجمه اسرار الصلاة، ص ۸۰

یاد مرگ، اشتغال قلب شما به غیر خدا (یا غیر مرگ) و آماده نبودن برای سفر آخرت است. و گرنه شکی نیست که شخص مسافر همتش جز در تهیه اسباب و آمادگی برای سفر مصروف نمی‌گردد. پس کسی که در حال فراغت اندیشه کند، حتماً باید سُرورش نسبت به دنیا و شهوات آن کم گردد و آرزویش خوار و سبک شود و دلش از لذات دنیا باز ماند. پس خردمند کسی است که خود را برای مرگ پیراسته کند و خویشن را برای بهره بردن و درو آماده سازد. اگر می‌خواهی این حال برایت حاصل شود در احوال مردگانی که نظیر تو بوده‌اند تفکر کن. آنان که با آرزوهای طولانی و حالات بد خود در شهوات فرو رفته بودند. (بین) چگونه از انس عشرت به وحشت هجران و از وسعت قصرها به تنگنای قبرها و از پاکیزگی و خوش صورتی به زشت منظری و بدسریتی انتقال یافتند. با زبان رسا و نمکین از قبرش بپرس و بگو سوگند به خدا ای قبر آیا زیبایی‌های او از بین رفت؟ و آیا آن شمایل خرم تغییر یافت؟ تا به کامل‌ترین جواب و بیان به تو جواب دهد که:

کرد کرمان لحم و شحمش را فنا

استخوان‌ها بند بند از هم جدا



با این‌که از این حالات غافل بوده و در تدبیر امور منازل و گردآوری اموال حریص بوده است.^۱

(۴) عارف بالله آخوند ملا حسینقلی همدانی

رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی لزوم یاد مرگ فرموده‌اند:
پس ای برادران من؛ از خواب‌تان بیدار شوید و در عاقبت کار خود اندیشه کنید و بدانید که هیچ چاره و گزینی از مجاهده و تلاش نیست. جوانی و

خانه و اثاث و کالاهای تان شما را نفریبند. این‌ها وبال هستند و عاقبت‌شان وخیم است. پس پیش از اندوه (یا گناه) به توبه مبادرت کنید و پیش از تمام شدن مدت، به گریه و نوحه تمسک جویید. از بین برندی لذت‌ها یعنی مرگ را همواره پیش‌رو داشته باشید و در شب‌های تاریک، در مورد مرگ بسیار اندیشه کنید و به خود ستم نکنید و این آیه^۲ را قرائت کنید که: «هر کس به اندازه‌ی سنگینی ذره‌ای خیر انجام دهد، آن را خواهد دید و هر کس به اندازه‌ی سنگینی ذره‌ای بدی انجام دهد، آن را خواهد دید.»^۳

۱. تذكرة المتقين، ص ۱۳۷-۱۳۸

۲. فَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ قَالَ دَرَّةَ حَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنْ قَالَ دَرَّةَ شَرَّا يَرَهُ (زلزله/۷۶)

۳. تذكرة المتقين ص ۲۰۵



آثار یاد مرگ

در آثار اسلامی؛ اثرات و نتایج بسیار زیبایی برای یاد مرگ و یاد قبر و قیامت و آتش جهنم ذکر شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱) از بین برندۀ و پاک کننده گناهان گذشته

یاد مرگ گناهان و آثار و نتایج آن‌ها را از روح انسان پاک نموده و روح انسان را صیقل می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «أَكْثُرُوا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فِإِنَّهُ يُمَحْصُ الدُّنْوَبَ - زیاد گردانید یاد مرگ را، چرا که گناهان را پاک می‌کند.»^۱

۲) بازدارنده انسان از گناهان

امیر مؤمنان علی عليه السلام فرموده‌اند: «مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ - کسی که از آتش جهنم بترسد، از گناهان دست بر می‌دارد.»^۲ (بدیهی است که لازمه‌ی ترسیدن از آتش جهنم، آن است که به طور دائم به یاد آن باشد.)

دو اثر فوق همان چیزی است که ما در این نوشتار به دنبال آن هستیم؛ یعنی یکی از راه‌کارهای مهم در ترک معاصی و حرکت به سمت سعادت، یاد مرگ و قیامت و جهنم است.

۳) دفع کننده وسوسه‌های شیطانی

با توجه به این‌که یکی از عوامل مهم گناه و معصیت، وساوس شیطانی است یاد مرگ در دفع وسوسه‌های شیطان نقش و در نتیجه از بین رفتن گناهان نقش کلیدی دارد. ابو بصیر می‌گوید: «شَكَوتُ إِلَيْيَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْوُسُوَاسَ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ اذْكُرْ تَقْطُعَ أُوصَالِكَ فِي قَبْرَكَ وَ رُجُوعَ أَحْبَابِكَ عَنْكَ إِذَا دَفَنُوكَ فِي حُفْرَتِكَ وَ خَرُوجَ بَنَاتِ الْمَاءِ مِنْ مَنْخِرِيَّكَ وَ أَكْلُ الدُّودَ لَحْمَكَ فَإِنَّ دَلِيلَكَ يُسْلِي عَنْكَ مَا أَنْتَ فِيهِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَوَاللَّهِ مَا ذَكَرْتُهُ إِلَّا سَلَّيْ عَنِّيْ مَا أَنَا فِيهِ مِنْ هُمَّ الدُّنْيَا - ابی بصیر می‌گوید: از وسوسه‌های شیطانی نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم. حضرت فرمودند: ای ابا محمد؛ یاد کن جدا شدن اعضاء بدنت را در قبرت و یاد کن بازگشت دوستانت را آن هنگام که تو را دفن کردند در چالهات و یاد کن خروج جانوران را از سوراخ‌های بینی‌ات و یاد کن خوردن کرم‌ها گوشت را، یاد این‌ها می‌زداید آن‌چه را که دچارش هستی. ابو بصیر می‌گوید: به خدا قسم یاد نکردم این‌ها را مگر این‌که زدوده شد آن‌چه دچارش بودم که هم دنیا بود.»^۳

۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۶۹

۲. الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۰

۳. الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۵۵

(۴) صیقل زنگارهای قلب

بیماری‌ها و آلودگی‌های قلب، منشأ تمام بیماری‌هاست. اگر قلب و باطن انسان بیمار شود، آلودگی آن به تمام ابعاد وجودی دیگر انسان (بعد عقلی، بعد نفسانی و بعد عملی) سرایت می‌کند و اگر قلب در سلامت و به دور از آلودگی باشد، سلامتی اش به دیگر ابعاد سرایت می‌کند. چرا که قلب در نظر اهل معرفت، سلطان مملکت وجود است. حال اگر سلطان مملکت وجود انسان آلوده و زنگار گرفته باشد، از انسان جز اعمال آلوده و معاصی صادر نمی‌شود. بنابراین معالجه قلب برای نجات از گناهان و شقاوتو لازم است و مطابق روایات شریفه یکی از بهترین صیقل دهنده‌های قلب، یاد مرگ و ذکر آن است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «إِنَّ الْقُلُوبَ تَصُدُّ كَمَا يَصُدُّ الْحَدِيدُ». قیل یا رَسُولَ اللهِ وَ مَا جَلَاؤُهَا؟ قالَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَ ذِكْرُ الْمَوْتِ - همانا دل‌ها زنگ می‌گیرد همچنان‌که آهن زنگ می‌گیرد. شخصی عرض کرد: ای رسول خدا؛ جلای آن به چه چیز است؟ فرمودند: تلاوت قرآن و یاد مرگ.^۱

(۵) سبب نجات از فریب دنیا

دنیا خود را به سراب‌هایی از کمالات و زیبایی‌ها زینت نموده است. مال، اولاد، رفاه، جمال، قدرت و ریاست از اموری هستند که انسان آن‌ها را کمال توهمند کرده، لذا عشق فطریش به کمالات تحریک شده و به آن‌ها دل می‌بندد. پس دنیا آن‌چه را کمال نیست، سراب کمال جلوه می‌دهد و این‌چنین انسان را می‌فریبد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - مال و اولاد زینت زندگانی دنیا هستند.» (کهف/۴۶)

آن‌چه مهم است آن است که انسان بفهمد دنیا بازیچه‌ای بیش نیست، و ارزش دل بستن ندارد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ - زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه‌ی فریب نیست.» (آل عمران/۱۸۵ - حديث/۲۰)

و بعد از فهم این مهم، فریب این چهره‌ی بزرگ را نخورد: «فَلَا تَعْرِئُنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا - پس فریب ندهد شما را زندگانی دنیا.» (لقمان/۳۳ - فاطر/۵)

حال این سؤوال مطرح می‌شود که چه چیزی سبب می‌گردد انسان فریب دنیا را خورده و به آن دل بیندد؟



قرآن کریم در جواب این سؤال می‌فرماید: «أَتَخَذُوا دِينَهُمْ لَهُوَا وَ لَعِبًا وَ غَرَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَأُلْيَوْهُمْ نَسْاهَمٌ كَمَا نَسُوا لِقاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا - کسانی که دین‌شان را به بازیچه و سرگرمی گرفته‌اند و زندگانی دنیا آن‌ها را فریب داد، پس امروز فراموش می‌کنیم آن‌ها را همان‌گونه که آن‌ها فراموش کردند این روز (قیامت را).» (اعراف/۵۱)

مطابق این آیه شریفه علت فریب خوردن انسان از دنیا، فراموشی مرگ و عالم آخرت است. یاد مرگ موجب نجات انسان از فریب و خدعاوهای دنیا می‌شود. امیرالمؤمنین صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَرَمَدَهُمْ: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ تَحَمَّلَ مِنْ خِدَاعِ الدُّنْيَا - کسی که زیاد یاد مرگ کند، از نیرنگ و فریب دنیا نجات می‌یابد.»^۱

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «أَكْثُرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ يُسْلِكُ عَنِ الدُّنْيَا - زیاد یاد مرگ کن، تو را از دنیا خارج می‌نماید.»^۲ (یعنی زیاد یاد مرگ کردن سبب بی‌رغبتی انسان به دنیا می‌شود).

(۶) دل کنند و انقطاع از لذات مذموم

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده‌اند: «از هر یک از لذات این عالم در نفس اثری و در قلب لکه سودایی حاصل شود که باعث شدت انس و علاقه به این عالم شود و این خود اسباب اخلاق در ارض^۳ گردد و در حین سکرات موت به ذلت و سختی و زحمت و فشار مبدل گردد. چه که عمدۀ سختی سکرات موت و نزع روح^۴ و شدت آن در اثر همین لذات و علاقه به دنیاست.»^۵



۱. غررالحكم، ص ۶۱۹

۲. تحف العقول، النص، ص ۳۵

۳. زمین گیر شدن، شدت علاقه به دنیا

۴. جان کنند

۵. شرح چهل حدیث ص ۲۰۶

چیزی که سبب قطع علاقه به لذات دنیوی و دل کند از آنها است، یاد مرگ است.

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم خطاب به ابن مسعود می فرماید:

«مَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ أَغْرَضَ عَنِ الْلَّذَّاتِ - کسی که از آتش دوزخ بترسد شهوت رانی را ترک می کند و کسی که منتظر مرگ است (به یاد آن است)، از لذات و خوش گذرانی روی گردان است».١

روزی رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

«أَكْبُرُوا مِنْ ذِكْرِ حَادِمِ الْلَّذَّاتِ - شکننده لذتها را بسیار یاد آورید» پرسیدند: «وَ مَا هَادُمُ الْلَّذَّاتِ - یا رسول اللہ آن چیست؟» فرمود: «الْمَوْتُ فَإِنَّ أَكْيُسَ الْمُؤْمِنِينَ أَكْثُرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا وَ أَحْسَنُهُمْ - مرگ، هیچ بنده‌ای نیست که به حقیقت آن را یاد کند مگر این که فراخی دنیا بر او تنگ می شود و اگر شدت و رنجی دارد و دلش از دنیا تنگ شده؛ گشاد می گردد».٢

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات با خدای خویش چنین عرضه داشته‌اند:

«إِلَهِي إِنْ ذَكَرْتُ الْمَوْتَ وَ هُولَ الْمُطْلَعِ وَ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ نَعَصِي مَطْعَمِي وَ مَسْرِبِي وَ أَغْصَبِي بِرِيقِي وَ أَفْلَقِي عَنِ وِسَادَتِي وَ مَنَعَنِي رُقادِي وَ كَيْفَ يَنَمُ مَنْ يَخَافُ بَيَاتَ مَلَكِ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ بِلَ يَنَمُ الْعَاقِلُ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ لَا يَنَمُ لَا بِاللَّيلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ يَطْلُبُ بَقْضَ رُوحِي بِالْبَيَاتِ أَوْ فِي آناءِ السَّاعَاتِ ثُمَّ يَسْجُدُ وَ يُلْصِقُ خَدَّهُ بِالثُّرَابِ وَ هُوَ يَقُولُ أَسْأَلُكَ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عَنِي حِينَ الْفَاكِ - ای خدای من؛ اگر یاد کنم مرگ را و هوول و هراس روز قیامت که به آن آگاهی داده شده‌ایم را و ایستادن در پیشگاهت را، خوردن و آشامیدن را بر من تلخ می گرداند و آب دهانم را گلوگیر می کند و مرا بر بالشم بی قرار می سازد و از خوابیدن منعم می کند و چگونه بخوابد کسی که می ترسد ملک الموت در حوادث شب و حوادث روز او را دریابد. بلکه چگونه عاقل بخوابد در حالی که ملک الموت نه در شب و نه در روز نمی خوابد و در شب یا هر ساعت دیگر به دنبال قبض روح اوست. سپس سجده نموده و گونه‌ی خود را به خاک چسبانیده و چنین می گفتند: از تو راحتی و آسایش را هنگام مرگ و آمرزش را هنگام ملاقات مسئلت می کنم».٣

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۴۷

۲. البعرفیات (الأشعیات) ص ۱۹۹

۳. مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۱۳۳

(۷) عامل کنترل و اداره شهوت

از اموری که نقش مهمی در کشاندن انسان به گناه دارند، امیال و شهوت است که اگر انسان را به اسارت خود درآورده و بر او مسلط شوند، هلاکت انسان و شقاوتشن حتمی است. حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌فرماید: «چه بسا با شهوت‌رانی چند روز یا چند ساعت، نظام یک عائله‌ی شریفه از هم گستته شده و طرح بدیختی و بیچارگی آن‌ها تا ابد ریخته شود. و چه بسا از عنان گسیختگی این قوه، شرافت خود انسان و عائله‌ی شریفه او دست‌خوش باد فنا شود. بیشتر این فجایع و فضایح که در این جمعیت‌های عنان گسیخته پیدا شود، از سرخودی این قوه است.»^۱

یکی از بهترین راه‌های کنترل شهوت هم یاد مرگ است.

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند: «فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تُنَازِعُكُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسُكُمْ مِنَ الشَّهَوَاتِ - آن هنگام که نفستان با شما در امر شهوت نزاع می‌کند، زیاد یاد مرگ کنید.»^۲

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ - یاد مرگ شهوت‌ها را در نفس می‌میراند.»^۳

(۸) از بین برنده‌ی غفلت

یکی از عوامل اصلی در ابتلاء انسان به معاصی و گناهان، غفلت‌هایی است که شخص را در برگرفته و مانع از توجه او به حقایق عالم می‌شود. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند: «الْغَفْلَةُ أَضْرُرُ الْأَعْدَاءِ - زیان رساننده‌ترین دشمنان انسان، غفلت است.»^۴

یاد مرگ بیماری مهلک غفلت را درمان می‌کند. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ ... وَ يَقْطَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ - یاد مرگ ... مکان‌های رویش غفلت را از بین می‌برد.»^۵ (یعنی نه تنها غفلت را ریشه کن می‌نماید، بلکه آن زمینی که مناسب برای رشد آن است را نیز نابود می‌کند).

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل ص ۲۸۰

۲. الغارات، طبع قدیمه، ج ۱، ص ۱۵۰

۳. مصباح الشریعه، ص ۱۷۱

۴. غرر الحكم و درر الكلم، ص ۳۵

۵. مصباح الشریعه، ص ۱۷۱

(۹) یاد مرگ، تفکری برتر از یک سال عبادت

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَقْطَعُ مَنَابَتَ الْعَفْلَةِ وَ يُقَوِّي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ يُرِيقُ الطَّبَعَ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَ يُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّرُ الدُّنْيَا وَ هُوَ مَعْنَى مَا قَالَ الشَّيْءُ صِفْكُرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٍ» - یاد مرگ شهوات را در نفس می‌میراند و رستن‌گاه‌های غفلت را نابود می‌کند و قلب را نسبت به وعده و وعیدهای الهی قوى می‌گرداند و خلق را نرم می‌کند و پرچم‌های هوای نفس را می‌شکند و آتش حرص را خاموش می‌کند و دنیا را بی‌ارزش و خوار می‌گرداند و این است معنای فرموده‌ی رسول اکرم صلی الله علیه وآل‌ه‌وسلم [که فرمود]: یک ساعت فکر از عبادت یک سال بهتر است.^۱

(۱۰) محبت خداوند

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ - هر کس بسیار یاد مرگ کند، خداوند او را دوست دارد.»^۲

(۱۱) زیر سایه خدا در بهشت

همچنین آن حضرت فرمود: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ - هر که مرگ را زیاد یاد کند خدا او را در بهشت زیر سایه خود جا دهد.»^۳

(۱۲) راحتی دنیا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام

فرموده‌اند:

«مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا
بِالْيُسِيرِ - هر کس بسیار به یاد مرگ باشد،
به اندک چیزی از دنیا خوشنود می‌شود.»^۴



۱. مصباح الشریعه، ص ۱۷۱

۲. الكافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۱۲۲

۳. وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۷۷

۴. تحف العقول؛ النص؛ ص ۸۹

و همچنین از ایشان نقل شده است که:

«مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْكَفَافِ - هر کس زیاد یاد مرگ کند؛ از دنیا به اندازه کفاف راضی گردد.»^۱

(۱۳) با فضیلت‌ترین‌ها

قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ فَمَنْ أَقْتَلَهُ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَجَدَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»^۲

دیگر آثار: برخی دیگر از آثار و نتایج زیبای یاد مرگ که در روایات به آن‌ها اشاره شده، به‌طور فهرست‌وار عبارتند از:

(۱۴) خوار شدن دنیا در نزد انسان.

(۱۵) ایجاد زهد نسبت به دنیا و میل نسبت به آخرت.

(۱۶) نرم شدن حلق انسان.

(۱۷) خاموش شدن آتش حرص.

(۱۸) بافضیلت‌ترین عبادت.

(۱۹) تشویق انسان به اعمال خوب.

(۲۰) سبب سرعت گرفتن فرد، در کارهای نیک.

(۲۱) زنده شدن قلب.

(۲۲) نرم شدن و رقت قلب.

(۲۳) آسان شدن مرگ.

(۲۴) تقویت قلب در باور و عده‌های الهی.

(۲۵) آسان شدن مصائب.

(۲۶) بهترین مواعظ.

(۲۷) نزول رحمت الهی.

(۲۸) رسیدن به مقام شهید.

(۲۹) کوتاه شدن آرزو.

(۳۰) و اصلاح قلب.^۳



۱. غرالحكم و دررالكلم ص ۶۲۹

۲. جامع الأخبار (الشعيري) ص ۱۶۵

۳. علم اخلاق اسلامی ج ۴ از صفحه ۴۲ به بعد (نویسنده آیت‌الله مهدوی کنی)

عوامل و موجبات یاد مرگ و قیامت

الف) یادآوری بیواسطه امر خارجی

در هر زمان و در هر مکان که انسان اراده نماید، میتواند بدون واسطه خارجی، مرگ و آخرت را یاد نماید. و این از بهترین اقسام یاد مرگ است. چرا که انسان به صرف خواست و اراده خود، مرگ را یاد مینماید. روز باشد یا شب، خانه باشد یا محل کار یا در خیابان، در سفر باشد یا در حضر، شاد باشد یا غمگین، مشغول کار باشد یا فارغ از آن، تنها باشد یا در جمع. عمدۀ در این باب حسّ احتیاج است. اگر انسان دریافت که تمام بیماری‌های نفسانی خود را میتواند با داروی تلخ یاد مرگ و احوال بعد از آن درمان نماید و بسیاری از فضائل نفسانی را به همین سبب میتواند کسب کند، البته برای آن اهمیت قائل شده و بدون این که محتاج به امر خارجی باشد، در هر زمان و در هر مکان که بخواهد مرگ را یاد مینماید. بعید نیست روایت ذیل مربوط به این قسم از "یاد مرگ" باشد:

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «پدرم از پدرش چنین برای من نقل نمود که امام مجتبی علیه السلام در زمان خود عابدترین مردم و زاهدترین و فاضل‌ترین آن‌ها بود و پیاده حج مینمود و گاه با پای برهنه و هنگامی که یاد مرگ میکرد، می‌گریست و آن‌گاه که

**امام حسن مجتبی علیه السلام...
هنگامی که یاد مرگ می‌کرد،
می‌گریست و آن‌گاه که قبر را به
یاد می‌آورد، می‌گریست و
هنگامی که برانگیخته شدن و
ذفده شدن پس از مرگ را
به خاطر می‌آورد، می‌گریست و
هنگامی که عبور از پل صراط را
یاد می‌نمود، می‌گریست ...**

قب را به یاد می‌آورد، می‌گریست و هنگامی که برانگیخته شدن و زنده شدن پس از مرگ را به خاطر می‌آورد، می‌گریست و هنگامی که عبور از پل صراط را یاد می‌نمود، می‌گریست و هنگامی که قرار گرفتن در پیشگاه الهی را یاد می‌نمود، ناله‌ی شدید بلندی می‌کشید و بی‌هوش می‌شد و هنگامی که در برابر خداوند به نماز می‌ایستاد، از شدت فزع دو طرف سینه‌اش می‌لرزید و هنگامی که بهشت و جهنم را یادآور می‌شد، مانند مار گزیده به خود می‌پیچید و از خدا بهشت را درخواست نموده و از جهنم به او پناه می‌برد.»^۱

ب) یادآوری با واسطه‌ی امر خارجی

یادآوری با واسطه‌ی خود دو قسم است:

۱/ب - آن جا که واسطه‌ی مصنوعی است (ساخته‌ی دست خود انسان است):

بعضی از واسطه‌های مصنوعی عبارتند از:

۱) ساختن قبر مصنوعی و ارتباط با آن



از بهترین، مؤثرترین و قابل لمس کننده‌ترین امور به یادآورنده‌ی مرگ، ارتباط با قبر است. بسیار شنیده شده است که بزرگان از علماء و نیز رزمندگان اسلام، در مکانی مناسب شبے قبری مهیا نموده و شبها در آن می‌خوابیدند و با خدای خویش راز و نیاز می‌نمودند و خود را برای سکونت در جایگاهی تنگ و تاریک، تا روز قیامت آماده

می‌ساختند و جملات زیر را با خود زمزمه می‌کردند: «أَنَا يَيْتُ الْعُرْبَةُ أَنَا يَيْتُ الْوَحْشَةُ أَنَا يَيْتُ الدُّودُ أَنَا الْقَبْرُ أَنَا رَوْضَةُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةُ مِنْ حُفَّرِ التَّارِ - منم خانه خاک (خاکی)، منم خانه غریبی، منم خانه وحشت، منم خانه کرم‌ها، من قبر هستم؛ من باگی از باغ‌های بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم هستم».١

۲) تهیه کفن و در معرض دید قرار دادن آن



یکی از اموری که جهت یادآوری مرگ مورد سفارش قرار گرفته است، تهیه کفن و نگاه به آن است. امام صادق صلوات‌الله‌علیه فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفْنُهُ فِي يَيْتِهِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِينَ وَ كَانَ مَأْجُورًا كُلُّمَا نَظَرَ إِلَيْهِ - کسی که کفش در خانه‌اش باشد، از غافلین نوشته نمی‌شود و هر زمان که به آن بنگرد، اجر می‌برد.»^۲

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «قبر هر روز این ندا را سر می‌دهد...» الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۴۲

۲. الکافی، طبع اسلامیه، ج ۳، ص ۲۵۶

۳ نوشتن وصیت‌نامه و گه‌گاه مطالعه آن

وصیت کردن بر کسی که آثار مرگ بر او ظاهر گشته و چیزی از حقوق الهی و مردمی بر ذمه دارد و خود دیگر قادر به ادای آن‌ها نیست واجب و در غیر این صورت مستحب می‌باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «**كُتْبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَحْيَةُ لِلْوَالِدِينِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ - واجب شد بر شما هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسید، نسبت به مالی که از خود به جای می‌گذارد، برای پدر و مادر و نزدیکانش به خوبی وصیت کنند؛ این کار حقی است برای پرهیز کاران.» (بقره ۱۸۰)**

رسول اکرم صلی الله علیہ وآلہ وسلم فرموده‌اند: «وَ الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ - وصیت کردن بر هر مسلمانی حق گشته است.»^۱

و نیز فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ بَعْيَرْ وَصِيَّةً مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً - کسی که وصیت نکرده بمیرد، به مرگ دوران جاهلیت مرده است.»^۲

همچنین فرموده‌اند: «مَا يَبْغِي لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ - سزاوار نیست برای مرد مسلم که شبی را به صبح برساند، مگر این که وصیت‌نامه‌اش زیر سرش باشد.»^۳

شیخ مفید رحمت الله علیہ بعد از ذکر آیه و روایات فوق فرموده‌اند:

«پس شایسته است شخص مسلمان از مخالفت با خداوند تعالی و مخالفت با فرستاده‌ی او بپرهیزد و وصیت را ترک نکند و آن را مهمل نگذارد و دینش را وارسی نماید و احتیاط پیشه کند، این گونه که: وصیت نماید خانواده‌اش را و برادرانش را به تقوای الهی و اطاعت از او و اجتناب از معاصی و نیز وصیت نماید به آن چه که دوست دارد برای او بعد از مرگش انجام دهند، در مورد غسلش و حنوطش و تکفینش و پنهان کردنش زیر خاک و صدقه دادن از طرف او و تدبیر امور بازماندگان و انجام این امور را به شخص مورد اعتمادی واگذار نماید تا کوتاهی در آن‌ها ننماید.»^۴

۱. الكافی، طبع اسلامیه، ج ۷ ص ۳

۲. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۲

۳. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۲

۴. المقنعه، ص ۶۶۶

۴) نصب العین قرار دادن نوشته‌ها یا تصاویری که یادآور مرگ و آخرت هستند:

می‌توان برای یادآوری مرگ و آخرت، از نصب دست نوشته‌های کوتاه و نیز تصاویر مناسب، استفاده نمود. مواضع کوتاه و تکان دهنده‌ی کلام الهی و نیز کلام معصومین علیهم السلام و نیز کلام مردان بزرگ الهی در باره‌ی مرگ و آخرت، از جمله اموری هستند که برای نصب، بسیار مناسبند.



قبرستان وادی السلام — نجف

نصب العین قرار دادن آگهی‌های ترحیم مربوط به خویشاوندان و نزدیکان و نیز عکس‌های باقی مانده از آشنایانی که بار سفر بستند و رفتند نیز می‌تواند برای بیداری از خواب غفلت، مؤثر باشد.

۵) استفاده از کتب، نوارهای صوتی و تصویری و نرم افزارهای مربوط به مرگ و قیامت

استفاده از کتب، نوارهای صوتی و تصویری، نرم افزارها و... که یادآور مرگ و احوال (ترس‌ها) بعد از آن هستند نیز در یادآوری مرگ و معاد تأثیر بهسزایی دارند که در ذیل به نام بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

کتاب منازل الآخرة تالیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمت الله عليه.

کتاب سیاحت غرب تالیف مرحوم آقا نجفی قوچانی رحمت الله عليه و لوح فشرده آن.

کتاب سرای دیگر و کتاب معاد تالیف شهید دستغیب رحمت الله عليه.

کتاب معاد و جهان پس از مرگ تالیف آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله.

کتاب گفتگویی پیرامون قبر؛ تالیف حاج سید احمد فقیه نی ریزی.

لوح فشرده با عنوان آخرت؛ محصول گنجینه معرفت.

کتاب عالم بزرخ در چند قدمی ما؛ تالیف حجت الاسلام محمد محمدی اشتهرادی.

و دهها محصلول دیگر از این قبیل که برای تنبه و توجه نسبت به مرگ مفید خواهد بود.

۲/ب - آن جا که واسطه امری واقعی است

یک انسان اگر اهل عبرت باشد، می‌تواند با بسیاری از محسوساتی که با هر یک از حواس پنجگانه، یعنی بینایی و شنوایی و چشایی و بویایی و لامسه درک می‌شوند، متوجه مرگ و قیامت شود. به عنوان مثال در باب ملماوات، تشنگی و گرسنگی و شدت حرارت و شدت درد می‌توانند انسان را به یاد قیامت و جهنم بیاندازند.

رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم فرموده‌اند:

«وَ اذْكُرُوا بِحُجُّ عُكْمٍ وَ عَطَسِكُمْ فِيهِ حُجَّوَةُ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَةً - وَ بَا گُرسنگی و تشنگی تان در ماہ مبارک رمضان، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید.»^۱

از امور واقعی که انسان را متوجه مرگ و قیامت می‌کند و در روایات به آن‌ها اشاره شده، می‌توان به عیادت از بیماران، شرکت در تشییع جنازه‌ها و از همه مهم‌تر، رفتن به قبرستان و غسل دادن و تجهیز مردگان و زیارت قبور و تفکر در احوال مرگ و بعد از مرگ اشاره نمود.

رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم فرموده‌اند:

«عُودُوا الْمَرْضَى وَ اتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ يُذَكِّرُكُمُ الْآخِرَةَ - از بیماران عیادت کنید و دنبال جنازه‌ها بروید تا شما را به یاد آخرت اندازند.»^۲

و نیز فرموده‌اند:

«إِذَا دُعِيْتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَأَسْرِعُوا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ - هنگامی که به تشییع جنازه خوانده شدید، عجله کنید زیرا آخرت را به یاد می‌اندازد.»^۳

و نیز فرموده‌اند:

«زُرِ الْقُبُورَ تَذَكِّرُ بِهَا الْآخِرَةَ وَ اغْسِلِ الْمَوْتَى فَإِنَّ مُعَالَجَتَهُ مُثُوبَةٌ وَ مَوْعِظَةٌ بَلِيعَةٌ وَ صَلَّ عَلَى الْجَنَائِزِ لَعَلَّ ذَلِكَ أَنْ يَحْزُنَكَ فَإِنَّ الْحَزِينَ فِي ظُلُّ اللَّهِ - به زیارت قبور برو که به سبب آن به یاد آخرت می‌افتدی و مردها را غسل بده. همانا پرداختن به این امر ثواب و پاداش دارد و موعظه‌ی رسایی برای تو در آن می‌باشد. و بر جنازه‌ها نماز بخوان. شاید تو را محزون و اندوهناک سازد که همانا شخص محزون و غمگین در سایه‌ی خدادست.»^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۵۱

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۱

۴. حکم النبی الاعظم ص (محمد محمدی ری شهری) ج ۲، ص ۴۷۶

موعظه‌ای از حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه



در خاتمه نوشتار خود را مزین به
موعظه‌ای از حضرت امام خمینی
رحمت‌الله‌علیه می‌کنیم؛ مردی که
هیچ‌گاه فریفته دنیا نشد و باوری عمیق
به عالم دیگر داشت. باشد که انفاس
قدسی ایشان در قلوب قاسی ما تاثیر
نموده و تنبه و توجهی پدید آورد.
می‌فرماید:

انسان تا در این عالم است،
می‌تواند خود را از این ظلمت
نجات دهد و به آن انسوار برساند.
آری، می‌تواند، ولی نه به این حالت
سردی و خمودی و سستی و فتور
و سهل‌انگاری که در ماست، که

همه می‌بینند که با هر خلق زشت و اطوار ناپسندی که از اول طفولیت بزرگ شدیم و با معاشرت و مؤانست‌های نامناسب تهیه کردیم تا آخر باقی می‌مانیم، سهل است، روزبه‌روز بر آن سربار می‌کنیم و می‌افزاییم. گویی گمان نداریم که عالم دیگری هست و نشئه‌ی باقیه‌ی دیگری خواهد آمد. «وای اگر از پس امروز بود فردایی». و گویی که دعوت انبیا و اولیا عَلَيْهِمُ السَّلَام به ما هیچ مربوط نیست. و معلوم نیست ما با این اخلاق و اعمال به کجا می‌رسیم و با چه صورتی محشور می‌شویم. یک وقت تنبه پیدا می‌کنیم که کار از دست ما خارج و حسرت و ندامت نصیب ماست و غیر از خود، کسی را نتوانیم ملامت کنیم.^۱